



شاید بارها فیلم‌های مستند دوربین‌های مدار بسته را دیده‌اید که پلنگ‌ها وارد خانه‌های مسکونی شده‌اند و پس از زخمی کردن انسان‌ها و بیشتر شکار سگ‌های خانگی فرار کرده‌اند!

یک امای بزرگ در این فیلم‌ها دیده می‌شود و اینکه در کشورها، شهرها و روستاهایی این اتفاق می‌افتد که بسیار نزدیک به زیستگاه‌های حیوانات وحشی بویژه پلنگ هستند

یکشنبه، ۷ خرداد ۱۴۰۲
۸ دی‌القمده ۱۴۴۴
سال بیست و نهم
شماره ۸۱۹۵

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

حوادث ایران

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

تی‌ترها

۳ جوان انتقام وحشتناکی از ۲ زورگیر گرفتند

قاتلان گوش بر

۳ پسر کینه‌جو که با انگیزه انتقامجویانه از دو پسر دیگر اقدام به گوش‌بری و قتل کرده بودند با تلاش کارآگاهان جنایی غرب استان تهران در جنوب پایتخت دستگیر شدند.

۱۶

دسیسه شیطانی

یک مرد برای دختر تهرانی دختر جوان که در تله مرد شیطانی گرفتار شده بود قبل از اینکه اتفاقات شومی برایش رقم بخورد به کمک مأموران پلیس تهران به آغوش خانواده بازگشت.

۱۶

داستانسرایی دروغین یک معما بود

راز زن خیانتکار در مسیر شلیک‌های مرگ

زن خیانتکار که نقشه قتل شوهرش را طراحی کرده بود پس از ۱۰ سال زندان، آزاد شد.



۱۶

شیطان در مراغه

علی دلداری قاضی دادگاه جنایی و دادستان وقت مراغه روز پنجشنبه در مراغه مجازاتی به صورت علنی در مورد یک متجاوز به عنف اجرا شد.

۱۷

برای نخستین بار وضعیت روانی زنان قاتل بررسی شد

ورود به دنیای سیاه ذهن قاتلان سریالی زن

قاتلان زنجیره‌ای زن نسبتاً غیرعادی به نظر می‌آیند. از طرفی تحقیقات در مورد زنانی که مرتکب قتل‌های زنجیره‌ای می‌شوند، تاکنون بسیار محدود بوده است.

۱۷

مادر سودا همه صحنه را دید

قتل دخترک در شکنجه‌های آتشین پدر

مرد جوانی که پیش از این سابقه کودک‌آزاری داشت، دختر یک ساله خود را به طرز هولناکی به قتل رساند.



۱۸

عذاب وجدان پدر همسرکش با اشک‌های کودکش

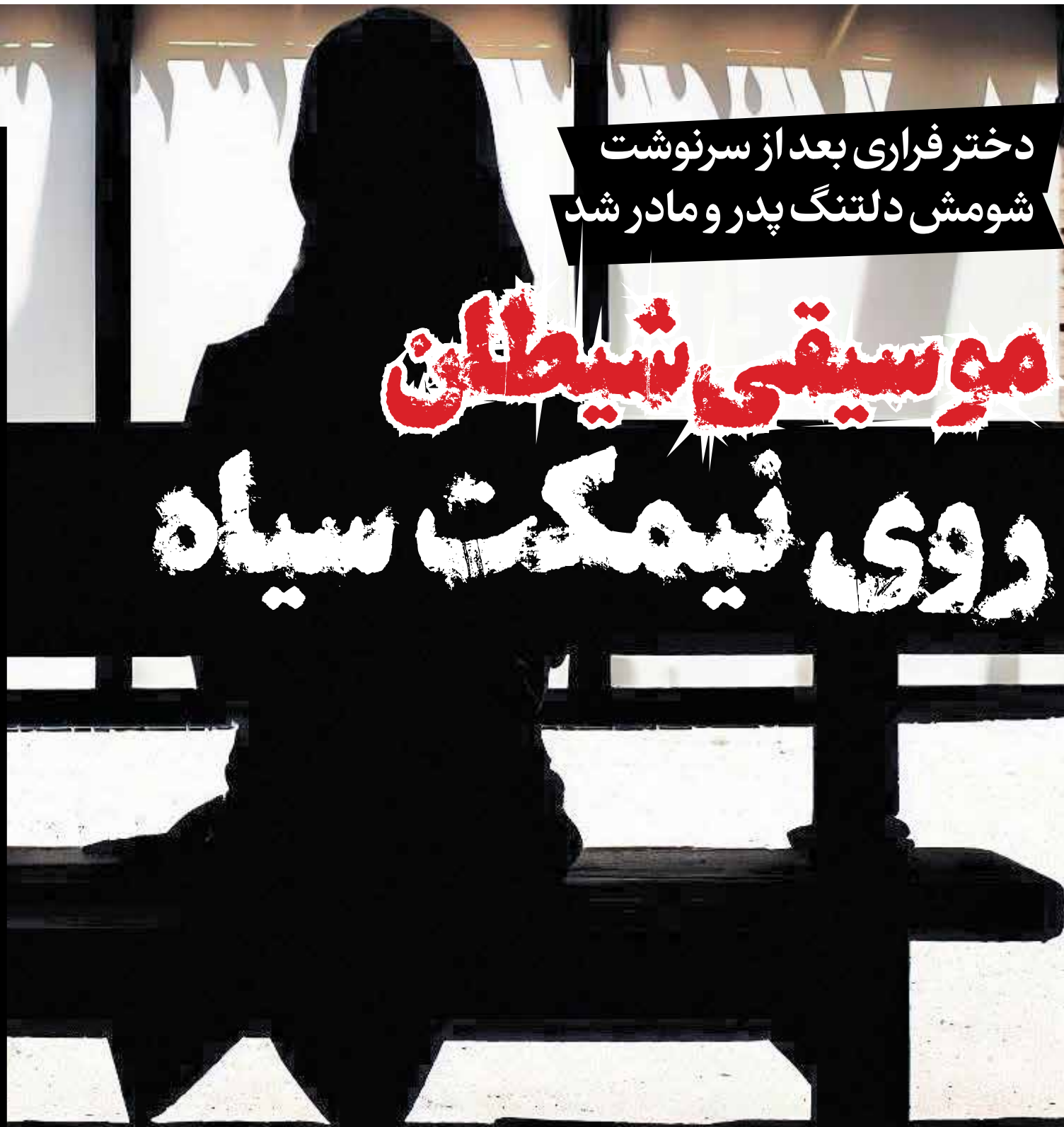
مرد افیونی که در یک اقدام جنون‌آمیز همسرش را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده بود، در انتظار محاکمه به سر می‌برد.

۱۸

دختر فراری بعد از سرنوشت شومش دلتنگ پدر و مادر شد

موی سیاهی شیطانی

روزی نیمکت سیاه



دیدگاه کارشناسی

زهرا بیات کارشناس ارشد روانشناسی



فرد مراجعه کننده، دختری ۱۷ ساله است که در یک خانواده ضعیف به دنیا آمده و فرزند هفتم خانواده است. چهار خواهر و سه برادر دارد و به دلیل مشکلات خانوادگی و اقتصادی فراوان ترک تحصیل کرده و از کودکی به شدت مورد تنبیه والدین قرار گرفته است. او کمبود عاطفی زیادی دارد که زمینه ساز رفتارهای تکانشی در وی شده است. روابط بین اعضای خانواده معیوب بوده و نشان دهنده این است که خانواده فاقد انسجام لازم، بویژه در تأمین نیازهای عاطفی اعضای خانواده است. پدر به عنوان محور خانواده شخصیت پرخاشگر و عصبی و بی مسئولیتی داشته و شرایط سخت زندگی باعث رفتارهای بد پدر و مادر شده است. محیط سرد خانواده و تحقیر، سرزنش‌های پدر و عدم تأمین نیازهای عاطفی و مادی سبب شده که دختر با حس بی‌ارزشی بزرگ شود و به همین دلیل دنبال محبت و توجه دیگران بوده است. شخصیت وابسته و نیازمند مراقبت و حمایت است که در کودکی مورد مراقبت والدین قرار نگرفته است و برای جبران خلایق عاطفی والدین و خانواده درگیر فرار از منزل و روابط دوستی با جنس مخالف و وابستگی روانی می‌شود.

نداشتن امنیت روانی و عاطفی دختران در محیط خانواده از عوامل اصلی فرار از خانه است؛ اختلافات و تعارضات والدین در صورتی که به طور منطقی حل نشود و فرزندان هم درگیر این تنش‌ها شوند شرایط نامساعدی در محیط خانه ایجاد می‌کند که زمینه‌ساز فرار می‌شود. زمانی که والدین به نیازهای عاطفی و رشدی دختر خود توجه نداشته باشند دختر به امید رسیدن به آرامش و زندگی رویایی خود از خانه فرار می‌کند در این مورد فرد دچار اضطراب و افسردگی است که ناشی از روابط سرد در خانواده است که در موقعیت‌های بحرانی زندگی دچار سردرگمی شده و نتوانسته تصمیم منطقی بگیرد که این عامل هم نقش مهمی در فرار داشته است نکته مهم دیگر توجه به دوران بلوغ است که از جمله زودرنجی و حساسیت‌ها، درونگرایی و انزواطلبی و جلب توجه بوده که در خانواده به آن توجهی نشده است.

شکاف فاصله میان خانواده و فرد باعث شده گرایش او به دوست و رفتارهای پرخطر افزایش یابد (دوستی با جنس مخالف) و زمانی که نیازهای اولیه مانند پوشاک، غذا و بهداشت در خانواده به دلیل فقر اقتصادی برطرف نشده باشد تنش و درگیری بین اعضا بالا رفته که به نوبه خود باعث برهم خوردن تعادل نظام خانواده شده که راه را برای فرار از منزل و کار خلاف هموار کرده است. نوجوانی سن درگیر شدن با والدین است. تعارضات و فشارهای روانی حاصل از رفتار والدین هم فرد را کم طاقت کرده و بیا توجه به اینکه نوجوان تجربه کافی و مهارت حل مساله را نداشته در این شرایط تنها راهی که به ذهنش رسیده فرار از خانه یا به عبارت دیگر فرار از مشکلات است. دختر فراری نشانه‌های ظاهری واضحی دارد که برای سودجویان شناخته شده است؛ وجه مشترک تمام این افراد روش‌هایی است که با آن اعتماد سوژه را جلب می‌کنند. اغلب کسانی که از خانه می‌گریزند آرزوهای بلند و دست نیافتنی دارند و دقیقاً از همین راه به دام می‌افتند. بعضی از دخترها چند شب را روی نیمکت‌های پارک‌ها به خواب می‌روند ولی بالاخره یکی از کسانی که اطراف او پرسه می‌زند موفق می‌شود او را بیا وعده‌های گوناگون به خانه بکشاند که در این مورد فرد باورهای خود کارآمدی ضعیفی دارد و عدم احساس شایستگی، کفایت و قابلیت در کنار آمدن با زندگی را دارد. خشونت والدین و مشکلات والدین با یکدیگر، منع شدن از برخی خواسته‌های معقول، تحقیر و طرد شدن و ایجاد یک شرایط تحمیلی برای فرد زمینه‌ساز فرار از خانه شده است. این فرد در محیط خانه انواع فشارها و استرس‌ها را تجربه کرده و برای رها شدن از این محیط به دنبال موقعیت (فرار از منزل) بوده است.

دختر فراری نشانه‌های ظاهری واضحی دارد که برای سودجویان شناخته شده است؛ وجه مشترک تمام این افراد روش‌هایی است که با آن اعتماد سوژه را جلب می‌کنند. اغلب کسانی که از خانه می‌گریزند آرزوهای بلند و دست نیافتنی دارند و دقیقاً از همین راه به دام می‌افتند

ملودی زیبایی میان کلماتش بود که مرا عاشق خودش کرد ساعت‌ها در پارک با او در دل کردم او هم با من همدردی کرد انگار سال‌ها همدیگر را می‌شناختیم این حرف‌ها گذر زمان را سریع‌تر می‌کرد...

از این می‌ترسیدم که اگر مجدداً به خانه بازگردم باید کتک‌های پدرم را تحمل کنم، پسر جوان از این موقعیت استفاده کرد و اصرار داشت برای مدتی در همان خانه مجردی او باشم. من که از این وضعیت خسته شده بودم خیلی زود خام حرف‌های او شدم و به سوی خانه‌اش رهسپار شدم که ای کاش پاهایم می‌شکست و این راه را انتخاب نمی‌کردم.

شب اول وقتی وارد خانه او شدم از ترس خوابم نبرد صبح شد بعد از چند ساعت تازه فهمیدم او با دو دوستش در خانه زندگی می‌کنند باهم مواد می‌کشیدند بعد از چند ساعت وقتی که مقدار غذا و آب خوردن احساس کردم پلک‌هایم سنگین شده است

دیگر نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد بی‌هوش شدم و وقتی بیدار شدم لباس‌هایم در تن نبود تازه پی بردم چه بلایی سرم آمده از آنجا گریختم و بعد درحالی که تصمیم داشتم خودکشی کنم نجات پیدا کردم و حالا مقابل شما نشسته‌ام... دلم برای پدرم برای همکاران کتک‌هایم هم تنگ شده دلم برای مادرم برای همان داد و فریادهایم هم تنگ شده من در تنهایی خودم گرفتار شدم و نمی‌دانم چه کنم.

روزهای بحرانی برابم خیلی سخت بود و وقتی نمره‌های میان ترم را دریافت کردم بیشتر آنها تک بود...

چند روز بعد پدرم از وضعیت درس‌هایم مطلع شد، وقتی فهمید من پنهان کاری کردم، همه تنم را با کمربند کبود کرد صورتم از بس سیاهی خورده بود قرمز و زیر چشم‌هایم کبود شده بود روی رفتن به مدرسه را نداشتم کوله پشتی‌ام را برداشتم و بی‌هدف از خانه خارج شدم من نه گواهی داشتم تا کسی فرار از خانه را به من پیاموزد و نه تلویزیونی داشتیم تا بدانم فرار از خانه چه عاقبتی دارد اشتباه نکند من متولد همین دوران هستم متولد سال ۸۵. وقتی از خانه فرار کردم دیگر دوست نداشتم به خانه بازگردم وقتی به خودم آمدم که شب شده بود و مجبور شدم که به خانه برگردم و باز هم کتک خوردم.

از رفتار پدر و مادرم متنفر شده بودم نه غذای خوبی می‌خوردم و نه خوابی داشتم. خنده‌هایم میان این بلواها پشت لبانم محصور شده بود هیچ شادی‌ای در خانه نداشتم.

همه این چیزها باعث شد تا تصمیم بگیرم یکبار برای همیشه خانه را ترک کنم و دیگر برنگردم. صبح از خانه بیرون زدم و به پارکی رسیدم ناگهان حضور جوانی را در کنارم احساس کردم بدون مقدمه علت بی‌تودی صورتم را پرسید و من از خجالت رویم را برگرداندم و به او بی‌محلی کردم ولی سماجت او خیلی زود من را فریب داد او با حرف‌هایش توانست پس از چند دقیقه اعتماد من را به خود جلب کند.

همه چیز از نشستن روی یک نیمکت سبزه‌تریزه زیر نور ماه در یک شب سرد شروع شد، کلمه‌های اسرارآمیزی که من همیشه در آرزوی شنیدنش بودم در مقابلم صف کشیده بودند هر چه بود این واژه‌ها مرا یک دل نه هزار دل شیفته خود کرد و وقتی مرا با خود برد فکر می‌کردم از سرنوشت سیاهی که دارم فرار کرده‌ام نمی‌دانستم پشت هجی این کلمات به ظاهر محبت‌آمیز چه توطئه شومی در انتظارم است.

من لعیاً ۱۷ ساله هستم و در یک خانواده ضعیف و با جمعیت زیاد متولد و بزرگ شده‌ام که روابط خوبی در خانه نبود، پدر و مادر همیشه درگیر بودند و جرو بحث هایشان هیچ وقت تمامی نداشت. اصلاً توجه به ما نداشتند طوری که خوب درس نمی‌خواندم و همیشه دیر به مدرسه می‌رسیدم تا اینکه مدیر به من گفت که اگر نمی‌توانم به‌موقع سر کلاس حاضر شوم بهتر است کلاس درس را فراموش کنم و این جمله کافی بود تا انگیزه من برای درس خواندن تمام شود.

رفتارهای پدر و مادر هم در خانه کلافه‌ام کرده بود. دائماً باهم جنگ داشتند سر هر چیزی باهم دعوا داشتند بعضی وقت‌ها از صداهایشان به گوشه اتاق تاریک پناه می‌بردم و با دست‌انگشت گوش‌هایم را می‌گرفتم تا صدایشان را نشنوم.

احساس خفگی داشتم و کلاس‌های درس را به زور تحمل می‌کردم. حرف‌های همسن و سالانم بیشتر از حرف‌های معلم در ذهنم باقی می‌ماند این

مرگ هولناک بوکسور ملی پوش



با شکایت خانواده بوکسور ملی پوش، پرونده مرگ دلخراش او در دادسرای جنایی تهران رازکشایی می‌شود. به گزارش «ایران» ۱۷ مرداد ماه امسال محمدامین روستایی بوکسور همدانی که در وزن ۶۰ کیلوگرم این تیم که عنوان نایب قهرمانی کشور در مسابقات مشهد را کسب کرده بود، در جریان یکی از تمرینات اردوی تیم ملی در شهر کامیاران بی‌هوش شد و پس از انتقال به بیمارستان درگذشت. بعد از مرگ ناگهانی محمدامین روستایی خانواده او از رئیس فدراسیون بوکس، مربی تیم ملی و برخی مسئولان فدراسیون به دلیل قصور در رسیدگی به اوضاع جسمی محمدامین که منجر به مرگ او شد، شکایت کردند. در روند رسیدگی به این

شکایت قضایی با توجه به اینکه اکثر متهمان ساکن شهر تهران هستند، پرونده برای رسیدگی به شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران منتقل شد. محمدامین اهل و ساکن ملایر بود. مربی بوکس او پدرش بود که با زحمت و تمرین فراوان محمدامین را راهی اردوی تیم ملی کرد. او با اخذ دعوتنامه تیم ملی راهی کامیاران شد. اما امکانات ضعیف تیم ملی سبب شد که در زمان بروز حادثه برای محمدامین اقدامات درمانی به‌موقع انجام نشده و این جوان به کام مرگ فرو رفت. روز حادثه محمدامین اعلام کرده بود که سرگیجه دارد و با این شکایت جسمانی اولین علائم حال بد او بروز کرد. بعد

از اینکه حال خود را به مسئولین اعلام کرد به او گفتند که آبی به دست و صورت بزنی و سر ترمیم برگرده. وقتی این بوکسور جوان دوباره کنار رینگ برگشت، روی زمین افتاد و او را به بیمارستان ساندنچ منتقل کردند. در آنجا مشخص شد که محمدامین دچار خونریزی مغزی شده که احتمالاً در حین تمرین ضربه‌ای به سر او اصابت کرده و منجر به این اتفاق شده بود. در بیمارستان ساندنچ محمدامین تحت عمل جراحی قرار گرفت اما جراحی او موفقیت‌آمیز نبود و منجر به فوت او شد. رسیدگی به این گزارش تا روشن شدن مقصر حادثه در دستور کار وحید ناصری بازپرس جنایی قرار دارد.